

مزار خونین میهمانان تا اسکله سوخته صیادان

مادر داغدار: از وقتی امید رفته، شبی نیست در خواب، خودم را وسط آتش اسکله نبینم... وسط قایقی که در حال سوختن است

ادارات در زمستان دورکار می‌شوند؟

سخنگوی سازمان اداری و استخدامی کشور:
ساعت کاری کارکنان دولت برای نیمه دوم سال، امروز اعلام می شود

روایت وزیر نفت از دو سال پرتنش دولت چهاردهم

سوخت رسانی در جنگ صادرات از خارک

حسن روحانی در دیدار با مدیران دولت‌های یازدهم و دوازدهم:

همه باید پشت سر نیروهای مسلح و مذاکره‌کنندگان باشند

در مهم‌ترین رویداد نوآوری و فناوری کشور چه گذشت؟

ققنوس الکامپ؛ روایت دوباره ساختن

با حضور سخنگوی دولت و پس از ۱۴ سال

بیمارستان «شهدای ملکشاهی» به مدار درمان ایلام پیوست

است؛ اما این ۵ دقیقه برای او تبدیل به فاصله‌ای
به یوسعت دیگر به عمر عرشه‌اش؛ از همان شب
سپاه، به یوسعت پایش را روی ساحل دریا
گشاده، دریا که روزی‌زمان خانه‌شان بود، حالا
در تصویر زنده جگر گوشه‌اش در میان آتش
است. وحی گوید: «از رفتن آتش بقیه، شبی
نیست دوری، خود را وسط آتش اسکله
بنهیم... وسط و فایده‌ای که در حال سوختن
هست.»

بیا رفتن امید، بار خانه به دوش «امین» ۱۴ ساله
فناده؛ فسادگر اول مدرسه که حالا مجبور است به
تربیم «امید»، قید درس و مدرسه و زندگی
بردارد ازین‌ش کارگری کند.

فاصله عروسی و عزای کوهستک

[illegible]

صورتجلسه یک ویرانی

وقتی غبار انفجار نشست و صدای آژیر آمبولانس‌ها

قایق سبز و سیاه اسکله

امید ۹ ماهه بود که پدرش از دنیا رفت؛ یک تصادف در جاده‌های جنوب، سابه پدر را از سرهای کودکی گرفت. نا بار سنگینی یک خانه، از همان روزهای کودکی بر شانه‌های کوچکش سنگینی کند. افسانه، «امید» را مثل چشم‌هایش می‌پایید، اما ۱۱ ساله که شد تصمیم گرفت درس و مدرسه را رها کند تا مادرش زود پیر نشود. در همان نوجوانی شادری کرد، عرق ریخت و ریال به ریال دستمزد هایش را به صندوقچه مادر سپرد تا چرخ



زندگی شان لنگ نزند. هدفش یک چیز بیشتر نبود. خریدن یک قایق؛ قایقی که مال خودش باشد و تا آخر عمرش شاکرگاه قایق‌های دیگران نماند.

چند روز پس از آتش‌بسی شکندند روزی چهل روزه (۱۷ شهریور)، روز موعود فرارسید. قایقی را که با همه دار و ندارش خریده بود، به رنگ سبزو سیاه نقاشی کرده، موتور نو روی آن بست و به دریا انداخت. آن شب، امیر ابری «افسانه» به شب یلدا بدر شد؛ طوفانی اما پر از تشویش. صیادان کوهستک سراسر سونمه‌الی (چهار بامداد به دل دریا می‌زنند و «امید» می‌کنند) به دریا می‌روند. پای تشویش به مادرش گفت: «امان! یک دست تموم شد. از این لقب ارباب خودم شدم. منتظر باش که دست پر برگردم.»

شاهدی میان دو کوچه و دو داغ

افسانه، زنی ۲۵ ساله با صورتی آفتاب‌سوخته و چشمانی که از بس پرگرانه خلیج فارس گریسته‌اند خاموش به نظر می‌رسد، حد آینه را روی این بندر درزده است. او درست در مرکز قتل و دوا فاجعه ایستاده؛ خانه‌اش حد فاصل اسلحه سوخته صیادی و خانه آوار شده دروغ و دمامد «سوخته‌ک» قرار دارد. روایتش را از آغاز تازه سه‌شنبه شب (اشاره‌روماه) آغاز می‌کند: از شبی که صدای دهل در چند متری خانه‌اش به آژیر آمبولانس‌ها گره خورد و جنایت جنگی دشمن، یک جشن خانوادگی را به عزای جمعی بدست تبدیل کرد.

[illegible]

سپهان نوری - اینجا بد (هوستن)، بیست کیلومتر از «مناب»، همه چیز روی مدار «اولین‌ها» می‌چرخد. اولین‌هایی که هرگز به «دوم» نرسید. آمدن «سپهان نوری» بیست‌وسه بهار بیشتر ندیده بود که پس از سال شازدری، چندم بهار ۱۴۰۵ برای اولین بار، خلیج فارس انداخت تا «آقای خودش» شود، اما در همان شب صیادی، در آتش حمله آمریکا به اسکله سوخت، کمتر از دو ماه بعد (۱ شهریور)، درست در کوچه پابینی خانه نامدار و اغدا در آن شهر، چارچ‌های اولین شب زندگی مشترک یک عروس و داماد محلی زیر گلوله‌های سرخ دشمن شد: سقف خانه پابین آن مرد و زن در غرق.

بار دیگر دست جنایت‌های جنگی آمریکا روی اولین‌های کوهسنگ خط بطلان کشید. شریک‌هاییک که نه یک مقر نظامی، بلکه قلاب یک محله مسکنی را هدف گرفت تا سفره‌های یک عروسی به عزای جمعی تبدیل شود. «کوهسنگ» حالا بندر اولین‌های ناتمام است؛ جایی که تور صیادی، تور عروسی و تور هزاره در کاسه یک دیزا بسته می شوند.

فرياد مظلوميت

صاحب پنجشنبه، بلوار ورودی شهر بتری کوهرستان،
صاحبه حاضر شده‌اند بود که حقیقت تلخ یک تجاوز
را بنابر آن فریاده می‌زد. یک‌مطهر ابراهیم‌محمد
کریمی، ۴۰ ساله‌ای که شامگاه سه‌شنبه در
توربین‌زیر عروسی سال به شهادت رسید، بر
دستان مردم شیعه و سنی و علمای هر دو مذهب،
تا نگارز مطهر شهدایی این شهر تشییع شد. در این
مراسم که با حضور خانواده‌های معظم شهدا،
مسئولان استانی و محلی و اقامش مردم مختلف مردم
بکرز کرد، حجت‌الاسلام والمسلمین سارلی،
امام جمعه سیریک تأکید کرد: «دشمن در جنایات
خود هیچ تفاوتی میان مذاهب قائل نیست و این
اتفاق تلخ، وحدت ملی و مذهب‌نگی استانی را
پیش از پیش مستحکم ساخته است.»

زنجیره غم از میناب تا سیریک

در این سرزمین، حتی کودکانی که هنوز طعم
بازی‌های بی‌دغدغه و رویاهای کوچک را به تمامی
نچشیده‌اند، ناگهان به نماد فریاد بی‌صدای



تنها خانه‌های مسکونی، مغازه‌های کوچک محلی و مردمی بود که برای تماشای اولین شب زندگی مشترک یک زوج جوان دور هم جمع شده بودند.

ایستاده در ایستگاه آخر

به افسانه‌ای می‌ماند: روح مقاومت در بندر کوهسک عجیب و سرخست است. سده‌به‌شعب و پس از آنقرها، به اهالی ششدار داد: شد خانه‌ها را تخلیه کنند چراکه احتمال حمله مجدد وجود دارد، اما افسانه و همسایگانش خانه‌ها را ترک نکردند: «کوهسک» با تمام اولین‌های نامش‌هنوز استوار ایستاده: بندری که دریا را خوب می‌شناسد و می‌داند صخره‌های ساحلی، هرچقدر هم که موج‌های سنگین بر پیکرشان بکوبد، هرگز عقب نمی‌نشینند.

و خودروهای آتش نشانی در کوچه‌های خاکی کوهستک پیچید، معلوم شد چه سر سبز بندر آست. بیش از ۶۸٪ رخصتی به میزبانان اوافضل میناب منتقل شدند و ۵ عزیز پی گناه نیز جان باختند؛ قربانیانی که نظامی نبودند و در هیچ جبهه‌ای نمی جنگیدند. در میان اسفاده‌اش، نام امیرعلی کریمی ۴ ساله، کودکی که هنوز معنای عروسی و جنگ را این ندانست، محمد ملای ۱۰ ساله، علی ملای ۱۶ ساله (فرزند دخترخاله آفسانه) و کثوم ملای، بنای ۴۳ ساله‌ای دیده می‌شود که پیکری جان‌شان از زیر چرخ‌ها آوار بیرون کشیده شد تا این واقعیت درنکاز را فریاد بزند: در کوهستک هیچ پایگاه، مقر یا تأسیسات نظامی وجود ندارد. جاسک قدیمی محله در همان روزهای اول جنگ چاهان روزه از بین رفته و آنچه سبب زشتی آوار خند و کینه دشمن دفن شد،

آگهی مزایده

شهادت‌ها: ساعت ۱۱ روز یکشنبه مورخه
سات صندوق قرض الحسنه شاهد
مرحله ای
الهی، خیابان مریم شرقی، خیابان مهدیه، خیابان
ری، پلاک ۱۴، طبقه ۱
آگهی، فروش اسناد و کارشناسی ملک و
بزمزاید است.
پیشنهادهای فاقد مهر و امضاء - مشروط -
شهادتهایی که بعد از انقضای مهلت مقرر در
ترتیب اثر داده نخواهد شد. سایر اطلاعات
زاید مندرج است.

قرض الحسنه شاهد
تاریخ و محل قرارداد
۱۴۰۵/۰۶/۲۹ در سالن
تجوه برگزار می باشد ؛
نشانی بازدید ملک : تهران
جبهه ، کوچه شهید دستغری
هزینه ها : هزینه نش
برگزاری مزایده بر عهده
لازم به توضیح است
مخدوش ، فاقد سپرده
آگهی واصل شود مست
و جزئیات مربوطه در اظ

موضوع مزایده: فروش ملک
دستگاه مزایده: گارل: صندوق قرض الحسنه شاه
مزایده گر: هر شخص حقیقی و حقوقی
مهلّت فروش: اسناد: از یکشنبه مورخه ۱۵/۵/۱۴۰۵
روز شنبه ۱۶/۵/۱۴۰۵
محل فروش و تحویل اسناد: تهران، خیابان گاندی
پلاک ۷، طبقه اول اداره امور مالی و خزانه تلفن:
تضمین شرکت در مزایده: ۵۰ میلیون
میلیارد ریال) بصورت چک بین بانکی از
مرکزی جمهوری اسلامی ایران
مهلّت تحویل اسناد: آخرین مهلت تحویل اسناد
مورخه ۱۶/۵/۱۴۰۵
مبلغ فروش: اسناد: ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال بحروف
ن داخته بی حسابد شماره: ۰۴۹۹۹۹۴۰۰۹

جغرافیای یک خلیج کابوس زده